

جامعة
المصطفی
العالمية



مجتمع آموزش عالی فقه

مدرسه عالی فقه و اصول

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته اصول و فقه اسلامی

عنوان پایان نامه: (سلب مالکیت خصوصی اشخاص به جهت مصالح عمومی

از منظر اهل بیت علیهم السلام

استاد راهنما

حجت الاسلام و المسلمین سید جعفر ربانی (دامت توفیقاته)

دانش پژوه:

سید جواد واعظ زاده

کد: ۱۱۵۴۵۰۰

مهر ۱۳۹۷



مسئولیت هرگونه مطالب مندرجه در این تحقیق به عهده نویسنده است

نقل مطالب از این پایان نامه با ذکر منبع بلامانع است و نشر آن در داخل کشور منوط به
اخذ مجوز از جامعه المصطفی العالمیه است.

تقدیم واهداء:

لازم و ضروری می دانم این مقاله را تقدیم کنم به حاکم جهان مولی و سرور همه انسان ها حضرت حجت بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله) مهدی امت (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، امیدوارم گامی باشد در مسیر تحقق اهداف مقدس آن حضرت و موجب رضایت خاطر و خشنودی قلب پاک و مطهرش.

تشکر و سپاس

ضمن سپاس از خداوند علیم و حکیم که مارا آفرید و در مسیر تحقق اهداف آفرینش؛ پیمودن مسیر کسب معرفت و آموختن بیان و بنان یاری نمود، و سلام و درود بر روان پاک انبیای الهی (صلوات الله علیهم) و ائمه هدی (علیهم السلام) که پیمودن راه هدایت و کمال را به انسان ها آموختند و آرزوی سلامتی برای تمام علمای عامل و فقهای فاضل به خصوص سلامتی مقام عظمای ولایت و رهبری حضرت آیت الله خامنه ای، برخورد لازم می دانم به صورت مسطور از زحمات والدینم و جمیع استادید محترمی که از بدو گام برداشتیم در مسیر تحصیل معارف جامع و جاودان اسلامی تا این مرحله از ایشان بهره گرفتم مخلصانه ترین سپاس و خرسندی ام را در این چند جمله کوتاه ابراز دارم، بخصوص ابراز قدر دانی و تشکر دارم از استاد فرزانه و جامع علم اخلاق حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای جعفر ربانی که به عنوان استاد راهنما در جهت تدوین و ترتیب این مقاله و با دقت نگری و وقت گذاری و باتوجه به این که اولین سیاهه ام بود صمیمانه مرا یاری نمود و همین طور از تمام مسئولین جامعه المصطفی «صلی الله علیه وآله» که زمینه تعلیم و تعلم را برای هزاران تشنه و جوینده معارف ناب اهل البیت (علیهم السلام) از سراسر جهان فراهم نموده اند، و همین طور مدرسه عالی فقه و اصول که در تحقق اهداف المصطفی شبانه روزی تلاش می ورزند، ممنون و متشکرم، خداوند در ظل توجه خاصه ی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای همه این بزرگواران موفقیت روز افزون در رسیدن به والاترین مدارج علمی و نشر آن و کسب سعادت اخروی عنایت فرماید «آمین»

سید جواد واعظ زاده

چکیده:

در این مقاله تحت عنوان (سلب مالکیت خصوصی به جهت مصالح عمومی از منظر اهل البیت علیهم السلام) تلاش اصلی بر این مسأله مهمی فقهی بررسی حکم سلب مالکیت خصوصی با توجه به شرایط در این زمینه است، و حکم اولی در اموال خصوصی چگونه است و حکم سلب مالکیت، ادله و شرایط آن از منظر فقه اهل بیت کدام است؟

بر این باوریم که اسلام، به عنوان یک قانون جامع، مدنیت و ملکیت را به طور مساوی تأمین نموده و حق دو مطلب را تأمین کرده است کافی است که با تامل در متون فقهی بنگریم و احکام را از منابع استخراج نموده حق فرد و جامعه و نیز راه حل در زمان تزامن را بررسی کنیم. خلاصه آن چه در این تحقیق آمده در پنج فصل می باشد، برای جامعیت تحقیق و اصول نوشتار علمی در فصل اول به مفاهیم و کلیات و در فصل دوم حکم سلب مالکیت خصوصی به جهت منافع عمومی از دید گاه فقه اهل بیت (علیهم السلام) و در فصل سوم قیود و شروط سلب مالکیت خصوصی و در فصل چهارم حکم وضعی اموال مسلوب المالکيه و بالاخره در فصل پنجم تشخیص مصالح عامه و اجرای حکم آن مورد تحقیق قرار گرفته است که در نتیجه با ادله بررسی شده حکم سلب مالکیت خصوصی اثبات گردید.

واژگان کلیدی:

سلب، مالکیت، خصوصی، عمومی، مصلحت و مصالح عمومی.

فهرست مطالب

تقدیم واهداء:

تشکر و سپاس

چکیده :

فهرست مطالب ۱

مقدمه : ۱

موضوع تحقیق: ۱

پیشینه تاریخی تحقیق..... ۱

فرضیه های تحقیق:..... ۱

هدف از پژوهش: ۱

روش تحقیق: ۲

روش گرد آوری:..... ۲

قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی و موضوعی)..... ۲

فصل اول:..... ۳

مفاهیم و کلیات ۳

گفتار اول: مفاهیم..... ۴

الف) سلب مالکیت..... ۴

۱- معنای لغوی سلب..... ۴

۲- معنای اصطلاحی سلب..... ۴

سلب در اصطلاح فقهی..... ۴

ب) تعریف مالکیت..... ۵

۱- مالکیت در لغت.....	۵
۲- مالکیت در اصطلاح.....	۵
ج) اقسام مالکیت.....	۶
۱) مالکیت خصوصی.....	۶
۲) مالکیت عمومی.....	۶
د) مصلحت عمومی.....	۷
هـ) مصلحت.....	۷
۱- در لغت.....	۷
۲- در اصطلاح.....	۷
و) نتیجه:.....	۸
ز) تعریف سلب مالکیت.....	۸
گفتار دوم: کلیات.....	۸
الف) مصداق کلی سلب مالکیت.....	۸
ب) اقسام مالکیت به حقیقی و اعتباری.....	۹
۱- تقسیم شهید صدر.....	۹
۲- تقسیم امام خمینی.....	۱۰
ج) تبعیت احکام از مصالح و مفاسد.....	۱۱
۱- دیدگاه عدلیّه.....	۱۱
۲- دیدگاه اشاعره.....	۱۱
۳- دیدگاه اعتدال.....	۱۲
د) قاعده اولیه در سلب مالکیت خصوصی.....	۱۲
هـ) مراتب مصلحت.....	۱۳
و) مراتب تراحم.....	۱۳

حکم سلب مالکیت خصوصی به جهت مصالح عمومی از دید گاه فقه اهلبیت (علیه السلام) (اقوال وادله) ۱۵

مقدمه: ۱۶

حکم سلب مالکیت خصوصی در فرض مصلحت عامه ملزمه ۱۷

ادله فقهی مالکیت خصوصی ۱۷

۱- کتاب ۱۷

۲- روایات ۱۷

۲_1 قاعده تسلیط ۱۹

۳- بنای عقلا ۲۰

۴- اجماع ۲۰

ادله سلب مالکیت خصوصی به جهت منافع عمومی ۲۰

دلیل اول آیات ۲۰

دلیل دوم روایات ۲۲

الف روایات مربوط به مسجد الحرام ۲۲

روایت اول ۲۲

روایت دوم ۲۳

روایات مربوط به احتکار ۲۴

روایت اول ۲۴

احتکار به چه تعلق می گیرد؟ ۲۵

روایت دوم ۲۶

روایت سوم ۲۷

دلیل سوم عقل ۲۸

قانون اهم و مهم (تزامم) ۲۹

نگاه استاد مطهری در مورد قاعده اهم و مهم ۳۰

دلیل چهارم قاعده لاضرر.....	۳۱
الف) صورت قاعده لاضرر.....	۳۴
ب) دلیل لاضرر.....	۳۴
روایت اول.....	۳۴
روایت دوم.....	۳۵
روایت سوم.....	۳۵
ج) تعارض قاعده لاضرر با قاعده تسلیط.....	۳۷
د) اهمیت قاعده لاضرر.....	۳۸
دلیل پنجم.....	۴۰
قاعده نفی عسر و حرج.....	۴۰
مستندات قاعده.....	۴۰
راه شناخت مرجحات تعاض بین دو قاعده.....	۴۱
۱-۱ مکلف.....	۴۱
۲-۱ زمان و مکان.....	۴۲
تتمه.....	۴۳
دلیل ششم ولایت حاکم.....	۴۳
مستندات ولایت حاکم.....	۴۵
روایات دراین زمینه.....	۴۶

فصل سوم ۵۲

قیود و شروط سلب مالکیت خصوصی ۵۲

مقدمه.....	۵۳
الف) گفتار اول: ملزمه بودن مصلحت عامه.....	۵۳
ب) گفتار دوم: قطعی بودن مصلحت عامه.....	۵۵
تعریف حکم اولی و ثانوی.....	۵۸

۵۹.....	۱- «اضطرار».....
۶۲.....	الف) ضروری بودن.....
۶۲.....	ب) امتنانی بودن.....
۶۲.....	۴- سلب به جهت منافع عامه.....
۶۲.....	۵- تبعیض آمیز نبودن.....
۶۳.....	۶- پرداخت غرامت.....
۶۴.....	۷- لازم نبودن رضایت.....
۶۶.....	مصالح متغیر.....
۶۷.....	ادله مصالح متغیر.....
۷۰.....	عدم لزوم درمصلحت عامه.....
۷۲.....	اولویت داشتن مصالح عامه بر مصالح شخصی.....
۷۵.....	نامه امام راحل «ه» به مقام معظم رهبری.....
۷۶.....	جواب مقام معظم رهبری.....
۷۷.....	نظارت فقیه در کلیه شئون اجتماعی.....
۷۸.....	حفظ مصالح عمومی.....
۷۹.....	ج) گفتار سوم: عدم مزاحمت مصلحت عامه به مفسده اهم.....
۸۱.....	ادله قاعده فقهی اهم و مهم.....

فصل چهارم: ۸۳

حکم وضعی اموال مسلوب المالکيه ۸۳

۸۴.....	مقدمه.....
۸۴.....	فرق حکم تکلیفی و حکم وضعی.....
۸۵.....	حکم وضعی اموالی که سلب مالکیت شده.....
۸۵.....	سلب مالکیت و مصادره اموال.....
۸۶.....	گفتار اول: صحت انواع معاملات واقع بر مال.....

۸۶.....	ادله صحت معاملات نسبت به اموال مسلوب المالکیت
۸۶.....	روایت اول.....
۸۸.....	روایت دوم.....
۸۸.....	روایت سوم.....
۹۰.....	نگاه علما در این زمینه.....
۹۰.....	مورد اول.....
۹۰.....	مورد دوم.....
۹۱.....	مورد سوم.....
۹۲.....	مورد چهارم.....
۹۳.....	گفتار دوم: ضمان اتلاف مال مسلوب المالکیت.....
۹۳.....	مضمون قاعده:.....
۹۴.....	مدرک قاعده.....
۹۴.....	بررسی روایات در زمینه ضمان اتلاف.....
۹۴.....	الف).....
۹۵.....	ب).....
۹۵.....	ج).....
۹۶.....	عمومیت قاعده.....
۹۶.....	شروط قاعده.....
۹۷.....	۱-تحقق اتلاف.....
۹۷.....	۲-مالیت داشتن مال تلف شده.....
۹۸.....	۳-تلف شده مال غیر باشد.....
۹۹.....	۴-اتلاف به اذن مالک نباشد.....
۱۰۰.....	۵-اتلاف از روی حق نباشد.....
۱۰۰.....	۶-اتلاف به امر شرع نباشد.....

۷- اهلیت داشتن متلف ۱۰۱

فصل پنجم ۱۰۲

تشخیص مصلحت و اجرای حکم ۱۰۲

گفتار اول: مرجع تشخیص مصلحت عامه ۱۰۴

الف) قرآن ۱۰۴

ب) سنت ۱۰۴

نیابت فقیه در تمام امور قابل نیابت از طرف ائمه (علیهم السّلام) ۱۰۵

الف) ۱۰۶

ب) ۱۰۶

ج) ۱۰۷

اجماع ۱۰۷

عقل ۱۰۷

گفتار دوم: متصدی اجرا ۱۰۹

لازم الاجرا بودن ۱۱۰

مرجع تشخیص ۱۱۱

مؤید ۱۱۲

مؤید دیگر ۱۱۲

متولی تشخیص مصلحت در بخش اجرای محض ۱۱۴

شرایط مجری (متصدی) ۱۱۵

شرط اول: حکم به حق ۱۱۵

شرط دوم: عاری بودن از هوا و هوس ۱۱۶

جمع بندی و نتیجه گیری ۱۱۸

فهرست منابع ۱۲۰

مقدمه :

این پژوهش بر اساس فقه جعفری بوده و سلب مالکیت شخصی را توسط دولت اسلامی در هنگام مصلحت عمومی، بررسی می‌نماید.

موضوع تحقیق:

سلب مالکیت خصوصی به جهت مصالح عمومی از منظر اهل بیت علیهم‌السلام

پیشینه تاریخی تحقیق

اگر چند در این موضوع کتاب مستقل نویسته نشده است الا چند تا مقاله که آن هم به صورت گذرا به این بحث اشاره نموده است که به چند نمونه اشاره می‌شود، فصل نامه مربیان، احکام حکومتی و مصلحت، آموزه های فقهی مدنی، حکم حکومتی در فقه علوی، درآمد بر جایگاه مصلحت در فقه، مبانی اعتبار مصلحت در استنباط حکم شرعی، مصلحت و جایگاه آن در حکومت اسلامی، اما در کتب و متون فقهی ارکان این بحث به صورت خیلی وافر وجود دارد مثل بحث تعارض، بحث لاجرح، بحث از مصالح عامه، مصلحت ملزمه، حقیقت مالکیت خصوصی. این بحث ها در متون فقهی موجود است.

فرضیه های تحقیق:

۱- با توجه به اهتمام دین اسلام به مصالح عمومی، در موارد خاص طبق نظر حاکم شرع، می‌توان از اشخاص سلب مالکیت نمود.

۲- لازم است طبق قاعده لاضرر، به اشخاص ضرری متوجه نشود. بر این اساس، حاکم شرع موظف است تدبیری اتخاذ کند تا بین حقوق جامعه و اشخاص جمع نموده و مصلحت جامعه و اشخاص را مد نظر قرار دهد.

۳- برای تصرف اجباری در املاک خصوصی، شرایط و مقرراتی وجود دارد که حاکم اسلامی آنها را ملاحظه نموده و مصلحت فرد و جامعه را باید در نظر بگیرد.

هدف از پژوهش:

۱- بررسی حکم تراحم مالکیت فرد و مصلحت جامعه در منابع فقهی.

۲- تحلیل دیدگاه فقهاء و ارزیابی آن.

۳- تمرین و کارورزی بخشی از یک مسأله مهم اجتماعی مورد ابتلاء جامعه در قالب موضوع فقهی.

۴- آگاهی بخشیدن نسبت به اداره جامعه و حفظ عدالت بین حکومت و ملت و رفتار عادلانه، سلب اموال خصوصی در مصالح عمومی.

روش تحقیق:

روش و رویه‌ای که در تحقیق حاضر صورت می‌گیرد، تحلیلی و توصیفی و با توجه منابع اصلی و استنباط احکام از آن می‌باشد.

روش گرد آوری:

جمع آوری مطالب بر اساس کتابخانه‌ی، کتابخانه‌ی دیجیتالی اینترنت، مجلات اینترنتی، سایت و بحث های درس خارج برخی از آیات عظام می‌باشد.

قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی و موضوعی)

سلب مالکیت خصوصی از منظر زمان، وسعت زیادی را دارا بوده و به صدر اسلام منتقل می‌گردد. از نظر مکانی نیز مبحث حاضر، منحصر به جایگاه خاصی نمی‌باشد.

فصل اول:

مفاهیم و کلیات

گفتار اول: مفاهیم

الف) سلب مالکیت

سلب مالکیت عنوان ترکیبی است، لذا در این جا به هر دو واژه نیاز مندیم که باید معنای سلب و مالکیت مشخص شود.

۱- معنای لغوی سلب

سلب در مقابل ایجاب و در لغت به معنای انتزاع کردن، ربودن، برداشتن قهر آمیز چیزی^۱، جدا کردن چیزی از چیز دیگر است این واژه در گفتارها زیاد مورد استفاده قرار می گیرد. «السلب: نزع الشيء من الغير على القهر»^۲ سلب: گرفتن چیزی از دیگری به زور، بر کندن. «أخذتُ و السلب: الشجرة أغصانها و ورقها»^۳ گرفتن و سلب کردن: یعنی کندن درخت و شاخه ها و برگهایش.

«سلب، به فتح سین و لام لغة المسلوب أى ماينزع من الإنسان و غيره»^۴ سلب به فتح سین و لام در لغت کنده شده یعنی آنچه از انسان و غیر می کند. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَنْ قَتَلَ قَتِيلًا فَلَهُ سَلْبُهُ»^۵ رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرموده: «هر که کسی را [در حال جنگ] به قتل برساند متعلقات مقتول مال قاتل است.»

۲- معنای اصطلاحی سلب

سلب اصطلاح متعددی دارد، و هر دسته‌ای از علماء طبق اندیشه علمی خودشان اصطلاحی در رشته تخصصی خود شان مطرح نموده اند. اما بحث مربوط به بخشی فقهی سلب مالکیت است.

سلب در اصطلاح فقهی

سلب در اصطلاح فقهی تعریف جامع و مانع سلب مالکیت به سبب تحولات موجود در آن دشوار بنظر میرسد، اگر سلب مالکیت به سبب منافع عمومی باشد میتوان گفت که مفهومش در اصطلاح عبارت است از اینکه: دولت یا موسسات عمومی، مالکیت مال یا حقوق غیر منقول یا استثنائاً حقوق

۱. فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، تهران، کتابفروشی مرتضوی، بی جا، ۱۴۱۶ق، ص ۸۳ و سعدی، ابوحیب، القاموس الفقهی، ج ۱، دمشق، دارالفکر، دوم، ۱۴۰۸ق، ص ۱۷۹.

۲. حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات الفا القرآن، بیروت، دار القلم، اول، ۱۴۱۲هـ ق، ص ۴۱۹.

۳. خلیل بن احمد، فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، نشر هجرت، دوم، ۱۴۰۹هـ ق، ص ۲۶۱.

۴. محمد علی بن علی، تهنوی، کشاف اصطلاحات الفنون، ج ۱، بیروت، لبنان، مکتبة الناشرین، اول، ۱۹۹۶م، ص ۹۶۵.

۵. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، دوم، سال چاپ: ۱۴۰۴ق ۱۳۶۳ش، ۳۳۹.

معنوی را به سبب منافع عمومی و با پرداخت بهای عادلانه آن و بطور یک جانبه، تملک میکنند.

ب) تعریف مالکیت

۱- مالکیت در لغت

مالکیت مصدر جعلی ملک است و در لغت ۱ حقی است که انسان نسبت به شیء دارد و می تواند هرگونه تصرفی در آن بکند به جز آنچه که مورد استثنای قانون است» ۲ و همچنین «مالکیت به معنای حق مالکیت هم آمده است» ۳.

۲- مالکیت در اصطلاح

مالکیت در اصطلاح رابطه است که بین مالک و مملوک برقرار است.

قدما مالکیت را از مقوله «جده» می دانستند؛ یعنی معتقد بودند شخص نسبت به مال تحت تملک خود، یک حالت دارایی و واجدیت دارد و رابطه مالک و مملوک در این وضعیت، مانند حالت شخص نسبت به پیراهن موجود در تنش است؛
متأخرین مالکیت را از مقوله "اضافه" می دانند؛ زیرا آنها قائل به رابطه‌ی بین مالک و مملوک می باشند مانند رابطه ابوت و بنوت.

این تعاریف تا زمان شیخ انصاری رایج بود، به نظر شیخ «مالکیت رابطه‌ی اعتباری است که بین شخص اعم از حقوقی یا حقیقی برقرار می شود به موجب این نظریه، مالکیت از واقعیتهای خارجی عالم نیست، بلکه ماهیت اعتباری است که عقلاً بین دو چیز برقرار می کند»^۵.
مالکیت، در اصطلاح عبارت از «حقی است دائمی، که به موجب آن شخص می تواند در حدود قوانین تصرف، مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند» ۶.
جعفری لنگرودی می گوید: «مالکیت عبارت است از حق استعمال و بهره برداری و انتقال یک چیز به هر صورت، مگر آنکه قانون استثناء کرده باشد» ۷.

۱. علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۱۳، انتشارات روزانه، تهران، دوم، ۱۳۷۷، ص ۱۹۹۹۸.

۲. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات میلاد، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶۸.

۳. مهشید مشیری، فرهنگ زبان فارسی، تهران، انتشارات سروش، سوم، ۱۳۷۴، ص ۹۳۵.

۴. محمد، ملا صدرا شیرازی، الاسفار الاربع، ج ۴، پیشین، ص میبدی، حسین بن معین الدین، شرح هدایه، ص ۲۷۴ و آیتی، محمد ابراهیم، مقولات و آراء مربوطه به آن، ص ۸۰.

۵. سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه، تهران، مرکز علوم اسلامی، دوازدهم، ۱۴۰۶ هـ ق، ج ۲، ص ۱۲۶.

۶. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی اموال، تهران، نشر یلدا بی جا، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۴.

۷. محمد جعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، دوازدهم، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۵۹۹.

دکتر کارتوزیان می‌گوید: «مالکیت، حق دائمی است که موقتی بودن با طبیعت آن منافات دارد».^۱
یزدی: «مالکیت عبارت است از حق مطلق استفاده و انتقال اعیان، جز در مواردی که خلاف قانون باشد».^۲

محقق یزدی می‌گوید: «حقیقت مالکیت فقط یک اعتبار عقلایی است؛ عقل چیزی را که در دست کسی قرار دارد، علقه‌ی بین او و چیزی که در اختیار وی می‌باشد اعتبار می‌کنند که این رابطه منشأ تسلط وی بر آن چیز می‌باشد».^۳

بنابراین از آنچه به دست می‌آید مالکیت از مقوله‌ی جده، اضافه، حق، و هر تعبیری که باشد و از دیدگاه فقهی همان دیدگاه شیخ انصاری؛ قابل پذیرش است، مالکیت چه مالکیت حقیقی یا حقوقی باشد و بقیه تعاریف به نحوی به آن بر می‌گردد.

ج) اقسام مالکیت

مالکیت را می‌توان به اقسام مختلف تقسیم نمود و لی در این مقاله به دو قسم از اقسام مالکیت که عبارت باشد از مالکیت عمومی و مالکیت خصوصی می‌پردازیم.

۱) مالکیت خصوصی

در تعریف مالکیت خصوصی آورده‌اند:

«رابطه‌ای است بین انسان با مال، به طور اختصاصی که منع دیگران را از انتفاع ایجاب می‌کند یا به شکلی که مداخله دیگران جز در صورت ضرورت و به طور استثنایی در آن مال محدود باشد. ۴

۲) مالکیت عمومی

مالکیت عمومی اموالی هستند که هیچ فرد خاصی، مالک آن‌ها نیست تا بتواند به نحو دلخواه در آن تصرف کند، بلکه ملک همه جامعه در آن سهم مشترک دارد.

۱. سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم دانشگاهی، بی‌چا، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۱۲۸.

۲. ناصر کارتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، بیست و چهارم، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۰۵ - ۱۰۸ به نقل از: سربازیان، مجید، و رنجبری، سهیلا، مفهوم مالکیت و زمان انتقال آن در فقه امامیه حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال دوم - شماره سوم - بهار ۱۳۹۴ ص ۵۹.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی، حاشیه المکاسب، ج ۲، ص ۵۳، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، به نقل از: همان.

۴. سید محمد باقر، صدر، اقتصاد ما، ج ۲، ترجمه اسپهبدی (جهاد سازندگی، مشهد، خرداد ۱۳۶۰)، ص ۶۱. به نقل از: سیمائی، حسین، قلمرو مالکیت و حکم مصادره اموال از دیده گاه امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

د) مصلحت عمومی

واژه عمومی، منسوب به "عام" بوده و شامل تمام افراد می‌گردد، چنانچه لغت شناسان در این باره آورده‌اند؛ محمد معین می‌نویسد: «عام در لغت به معنای شمول است و در اصطلاح حقوقی لفظی است که دلالت بر تمام افراد یک ماهیت بنماید»^۱.

«واژه "عمومی" در ادبیات فارسی نمایانگر منسوب به عموم بوده و در برابر "خصوصی" قرار دارد و به معنای منسوب به عموم، همگانی، عام، کلی و آنچه متعلق به عموم باشد به کار رفته است»^۲.

هـ) مصلحت

۱- در لغت

لغویین واژه "مصلحت" را از ماده "صلح" در مقابل "فساد" و از نظر معنا همانند "منفعت" دانسته‌اند.^۳

مصلحت در ادبیات عرب برگرفته از صَلَح و در برابر مفسده است. ابن منظور می‌نویسد: «الصَّلَاح: ضدّ الفساد؛ صَلَحَ يَصْلُحُ وَ يَصْلُحُ صَلَاحاً وَ صَلُوحاً»^۴.

علی اکبر دهخدا می‌نویسد: «در زبان فارسی نیز، مصلحت در مقابل مفسده و به معنای صواب، شایستگی و صلاح، آنچه موجب سود و آسایش باشد، هر آن چیزهایی که خیر و صلاح مردم مربوط به آن است»^۵.

۲- در اصطلاح

مصلحت در اصطلاح مانند معنای لغوی آن، معروف است؛ و تفاوت چندانی با معنای لغوی ندارد. برخی مصلحت را عبارت از «جلب منفعت دفع ضرر دانسته‌اند»^۶ و برخی دیگر آورده‌اند «مصلحت عبارت است از جلب منفعت و دفع ضرر به مقداری که مقاصد شریعت حفظ شود»^۷.

۱. سید حسن امامی، حقوق مدنی (امامی)، ج ۲، تهران، انتشارات اسلامیة، بی‌جا، ه.ق، ص ۲۰.

۲. معین، ۱۳۸۸، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۸، واژه عمومی، و دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، بی‌تا، ۱۳۷۷، واژه عمومی.

۳. سعید، شرتونی، اقرب الموارد، ج ۱، قم، مکتبة آية الله مرعشی، اول، ۱۴۰۳، ق، ص ۵۱۶.

۴. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، بیروت، سوم، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۵۱۶.

۵. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۶. محمد، غزالی، المستصفی، ج ۱، ص ۱۴۱ به نقل از: جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهلیت علیهم السلام، ج ۴۰ - ۳۹، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذاهب اهلیت علیهم السلام، اول، بی‌تا، ص ۹۸.

۷. محمد سلام، مذکور، المدخل الفقه الاسلامی، قاهره مکتبة الوهبة ۱۹۶۰م، ص ۹۳.